

اجلاس زمین + ۵



نقل از گزارش سازمان ملل متحد

۲۳-۲۷ ژوئن ۱۹۹۷

مترجم: سیده مرجانه سلطانی

انسانها و اکوسیستمها باید خود را با نظم اقلیمی آینده منطبق سازند. انتشار گازها در گذشته و حال حاکی از آن است که در قرن بیست و یکم مراحل از تغییرات آب و هوایی رخ خواهد داد. انطباق با این تأثیرات، مستلزم شناخت درست از نظامهای اجتماعی-اقتصادی و طبیعی، درجه حساسیت آنان به تغییرات آب و هوایی و توانایی ذاتی در سازگاری است. تدابیر بسیاری برای افزایش میزان سازگاری وجود دارد.

مبارزه با گرم شدن زمین

پنج سال پیش سازمان ملل متحد «اجلاس زمین»^۱ را در شهر ریودوژانیرو برگزار نمود و از آن زمان «پیمان مبارزه با تغییرات اقلیمی» این سازمان به نقطه عطف تلاشهای جهانی برای مبارزه با گرم شدن کره زمین تبدیل شده است. این تنها وجه عملکرد این پیمان نیست بلکه عمل به عنوان مهمترین اسباب ارتقاء و ترویج توسعه پایدار از جمله دیگر جنبه‌های آن است. از اجلاس ریو تاکنون یافته‌های بسیاری بدست آمده، اما آنچه در پیش داریم، راهی طولانی و دشوار برای تصمیماتی است که باید اتخاذ گردند.

چالشهای زیست محیطی

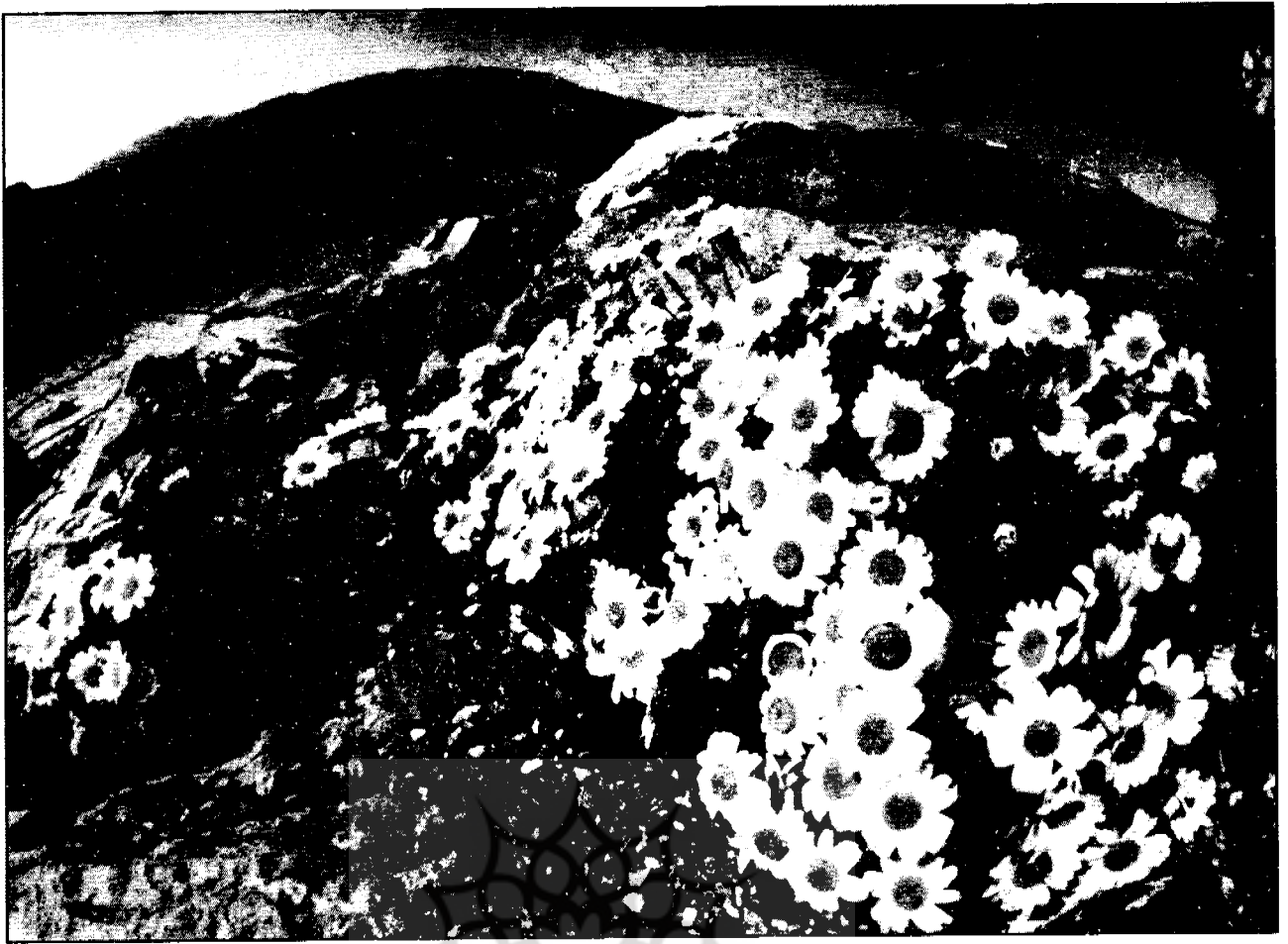
در سال ۱۸۹۸، دانشمند سوئیسی بنام اسوانت آرنیوس^۲ خطر انتشار دی‌اکسید کربن و در نتیجه گرم شدن کره زمین را یادآور شد. هرچند این راز علمی سر به مهر با آغاز دهه ۷۰ و شناخت روزافزون دانشمندان از سیستم

جو زمین از ابهام به وضوح رسید. اما بخش محیط‌زیست سازمان ملل (UNEP)^۳ و سازمان جهانی هواشناسی (WMO)^۴ به منظور کسب شناختی بهتر از یافته‌های علمی محققان و ارائه آن به سیاست‌گذاران و عموم مردم، در سال ۱۹۸۸ به ایجاد هیئتی بین‌المللی برای بررسی تغییرات اقلیمی^۵ (IPCC) اقدام نمود. در دستور کار هیأت مسئله ارزیابی وضعیت موجود دانش بشر از نظام اقلیمی و تغییرات آب و هوایی، اثرات زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی تغییر آب و هوا و تدابیر واکنشی و بازدارنده این تغییرات دیده می‌شد.

هیأت مذکور در سال ۱۹۹۰ اولین گزارش ارزیابی خود را منتشر ساخت. این گزارش که پس از یک دوره بررسیهای دقیق و موشکافانه صدها دانشمند و متخصص برجسته فن مورد تأیید قرار می‌گرفت، اصل علمی تغییرات اقلیمی را اثبات می‌نمود. انتشار این گزارش، تأثیر عمیقی بر سیاست‌گذاران و عموم مردم گذارد و مذاکرات بر سر پیمان تغییرات

اقلیمی را بشدت تحت تأثیر قرار داد. آنچه در ذیل می‌خوانید یافته‌های هیأت "IPCC" است:

انتشار گازهای گلخانه‌های بدست ابناء بشر به احتمال قریب به یقین به تغییر سریع آب و هوا منجر خواهد شد. با احتراق سوختهای فسیلی، دی‌اکسید کربن تولید شده و اثرات منفی آن با قطع جنگلهای جاذب دی‌اکسید کربن چندین برابر می‌شود. گازهای متان و اکسید نیتروژن در نتیجه فعالیت‌های کشاورزی (بخاطر استفاده از سموم دفع آفات نباتی و کودهای شیمیایی) در هوا آزاد شده و در استفاده از زمین و دیگر فعالیتها، تغییراتی ایجاد می‌کند. کلروفلوروکربن‌ها (CFCs) و سایر گازها نیز در حبس گرما در جو زمین نقش فعال دارند. با قطور شدن «لایه» جو زمین از گازهای گلخانه‌ای و انتشار گازها توسط انسان جریان انرژی بهم می‌خورد که این خود از عوامل تأثیرگذار بر سیستم اقلیمی زمین است. الگوهای آب و هوایی خبر از آن می‌دهند



جوامع انسانی با خطرات و فشارهای جدیدی روبرو خواهد شد. تمدید عدم امنیت غذایی در جهان بعید بنظر می‌رسد، اما احتمالاً پارادای مناطق کمبود غذا و گرسنگی را تجربه خواهند کرد. منابع آبی با تغییر الگوهای فرونشست و تبخیر آب در سراسر جهان دستخوش تغییر خواهد شد.

بویژه با افزایش سطح آب دریا و دیگر رخدادهای بزرگ که در برخی مناطق شدت و حدت تغییرات اقلیمی را دو چندان می‌کنند، شالوده و زیرساخت فیزیکی دچار زیبایی جبران‌ناپذیر می‌شود. فعالیت‌های اقتصادی، اسکان بشر و سلامت و بهداشت او بطور مستقیم و غیرمستقیم از این تأثیرات بی‌بهره نخواهند ماند و فقرا آسیب‌پذیرترین قشر

صورت پذیرد، درصد خسارات نیز افزایش خواهد یافت. اگر روشی که بشر در پیش گرفته همچنان ادامه یابد، سطح متوسط آب دریاها تا سال ۲۱۰۰ حدود ۱۵ تا ۹۵ سانتیمتر بالا می‌آید که پیامد آن سیل و دیگر زیانهای جبران‌ناپذیر است. مناطق آب و هوایی (و به تبع آن، مناطق اکوسیستمی و کشاورزی) از ۱۵۰ تا ۵۵۰ کیلومتر در عرض متوسط جغرافیایی به طرف قطب‌های پیشروی خواهند نمود. جنگلها، بیابانها، زمینهای خاص از نظر پوشش گیاهی و جانوری و دیگر اکوسیستمهای بکر و وحشی، بیش از پیش مرطوبتر، خشکتر، گرمتر و سردتر می‌شوند و اینهمه، زوال با پراکندگی بسیاری از انواع و انقراض گونه‌های حیات را به دنبال خواهد داشت.

که تا سال ۲۱۰۰، دمای کره زمین حدود ۱ تا ۳/۵ درجه سانتیگراد افزایش خواهد یافت. این تصویر براساس میزان انتشار گازهای موجود طرح شده و نقاط ابهام بسیاری، بخصوص در سطح منطقه‌ای در آن وجود دارد. از آنجا که هوا نسبت به انتشار گازهای گلخانه‌ای سرعت عکس‌العمل نشان نمی‌دهد، روند تغییر صدها سال پس از آنکه ضخیم شدن جو به حالت اشباع رسید - ادامه می‌یابد. با این وجود نمی‌توان منکر تحولات سریع و غیرمنتظره آب و هوا شد. شواهد گویای آن است که تغییر آب و هوا از پیش آغاز شده است.

تغییرات اقلیمی اثرات مهم و غیر قابل اغمازی بر محیط زیست جهانی دارد. قاعده کلی آن است که هر چه این تغییرات سریعتر

نسبت به اثرات منفی تغییر آب و هوا خواهند بود.

انسانها و اکوسیستمها باید خود را با نظم اقلیمی آینده منطبق سازند. انتشار گازها در گذشته و حال حاکی از آن است که در قرن بیست و یکم مراحل از تغییرات آب و هوایی رخ خواهد داد. انطباق با این تأثیرات، مستلزم شناخت درست از نظامهای اجتماعی - اقتصادی و طبیعی، درجه حساسیت آنان به تغییرات آب و هوایی و توانایی ذاتی در سازگاری است. تدابیر بسیاری برای افزایش میزان سازگاری وجود دارد.

تعدیل نمودن ضخامت جو از گازهای گلخانه‌ای نیازمند تلاشی سخت و پیگیر است. مطابق با روشهای موجود، افزایش انتشار دی‌اکسید کربن و دیگر گازهای گلخانه‌های به مرحله‌ای خواهد انجامید که غلظت CO₂ صنعتی در جو تا سال ۲۰۳۰ دوبرابر و تا سال ۲۱۰۰ سه برابر خواهد شد. با ثابت نگاه داشتن انتشار جهانی CO₂ در سطح فعلی، میزان CO₂ تا سال ۲۱۰۰ به دو برابر افزایش می‌یابد. چنانچه غلظت CO₂ مضاعف ثابت نگاه داشته شود، در قرن بیست و دوم شاهد کاهش سطح این گاز تا ۳۰ درصد میزان کنونی خواهیم بود. چنین معبره‌ایی علی‌رغم رشد جمعیت و گسترش اقتصاد جهانی دور از واقعیت نیستند.

در واکنش به دست آوردهای رو به رشد علمی، یک سلسله همایشهای بین دول با تأکید بر تغییرات اقلیمی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ برگزار شد. دومین همایش جهانی آب و هوا در سال ۱۹۹۰ خواستار تنظیم پیمانیه منسجم برای مقابله با تغییرات آب و هوا شد. ویژگی این همایش که از طرف سازمان جهانی هواشناسی و بخش محیط

زیست سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین‌المللی برگزار شد، گفت و شنود و مذاکراتی بود که در سطح وزرای ۱۳۷ کشور و از جمله جامعه اروپا برگزار شد.

بیانیه نهایی که پس از بحثهای طولانی تدوین گردید، هیچگونه اهداف بین‌المللی برای کاهش انتشار گازها را مشخص نمی‌کرد. گرچه از برخی اصول حمایت بعمل آمد که بعدها در پیمان تغییر آب و هوا گنجانده شد. بهرحال، این اصول عبارت بودند از «توجه به درد مشترک بشر»، اهمیت تساوی و عدالت، «مسئولیت‌های مشترک و در عین حال متفاوت» کشورها در سطوح مختلف توسعه، توسعه پایدار و اصل احتیاط و اقدامات پیش‌گیرنده، چراکه با وجود خطرات جدی و جبران‌ناپذیر، نمی‌توان به بهانه عدم قطعیت علمی، اقدامات موثر بازدارنده از فرسایش زیست‌محیطی را به تأخیر انداخت.

در این اثنا، رسانه‌های گروهی نیز ساکت نماندند. جبهه‌های هوای گرم و طوفانهایی که در ایالات متحده و دیگر نقاط بطور غیر معمول مخرب هستند، گرچه شاید مستقیماً به تغییرات آب و هوا مربوط نشوند، اما یک سلسله گزارشهای مطبوعاتی در مورد تغییر آب و هوا و اثرات احتمالی آن را به دنبال داشت. فعل و انفعالات عظیم زیست‌محیطی و کشف سال ۱۹۸۵ «سوراخ» لایه ازن در قطب جنوب (که به تغییر آب و هوا مربوط نمی‌شد) این نگرانی فزاینده را تشدید کرد.

به دنبال این رویدادها، مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ مذاکراتی را در این باب آغاز نمود. کمیته مذاکره‌کننده بین دول که برای بررسی پیمان تغییرات اقلیمی تشکیل شده بود از فوریه ۱۹۹۱ تا می سال ۱۹۹۲ پنج نشست را برگزار نمود. از آنجا که

همایش محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل که در ماه ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برزیل برپا شد با یک ضرب‌العجل فشرده زمانی روبرو بود، مذاکره‌کنندگان از ۱۵۰ کشور تنها ظرف مدت ۱۵ ماه «پیمان» را به مرحله نهایی رساندند. پیمان مذکور در ۹ ماه می سال ۱۹۹۲ در شهر نیویورک به تصویب رسید و چند هفته بعد در شهر یور به توشیح گذارده شد.

در پیمان جدید روند واکنش و برخورد با تغییرات آب و هوایی در دهه‌های آینده مشخص شده است و بطور اخص روشی ابداع شده تا دولتها اطلاعات مربوط به میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای و تدابیر اتخاذ شده در قبال تغییرات اقلیمی در کشور متبوع خود را گزارش کنند. اطلاعات مذکور بطور منظم بررسی می‌شوند تا در پیشرفت موارد مطروحه در پیمان تسریع شود. علاوه بر این تمهیدات، کشورهای توسعه نیافته به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه جهت مقابله با تغییرات جوی، پذیرفتند تا از نظر انتقال سرمایه و تکنولوژی آنان را یاری دهند. آنان همچنین متعهد شدند تا با اتخاذ تدابیر لازم، میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای را تا سال ۲۰۰۰ به همان سطح سال ۱۹۹۰ بازگردانند.

پیمان مذکور در ۲۱ مارس ۱۹۹۴ به مورد اجرا گذارده شد و امروزه ۱۶۵ کشور طرف این پیمان به آن مباحثات می‌کنند.

بعد سیاسی مبارزات زیست‌محیطی

تغییرات جوی و سیاستهای کاهش اثرات آن، هر دو محتاج اسباب و علل بسیار عظیم زیست‌محیطی و اقتصادی هستند. هزینه اینگونه تغییرات آب و هوایی به نسبت هر

قرار است کاپ - ۳ از لول تا ۱۲ دسامبر ۱۹۹۷ در شهر توکیو برگزار شود. در این نشست انتظار می‌رود تعهدات تازه‌ای برای کشورهای توسعه یافته در نظر گرفته شود تا این کشورها انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را پس از سال ۲۰۰۰ کاهش دهند. چنانچه کاپ - ۳ نشست موفقی باشد، نیروی محرکه لازم برای مبارزه با تغییرات اقلیمی در قرن بیست و یکم را ایجاد خواهد کرد.

اروپا هستند و اعضاء ثروتمندتر که برای جبران این شکاف به اجبار باید هرچه بیشتر از انتشار گازها بکاهد برانگیخته است.

کشورهای JUSSCANZ یا کشورهای توسعه یافته غیر اتحادیه اروپا.

این کشورها عبارتند از ژاپن، ایالات متحده آمریکا، سوئیس، کانادا، استرالیا، نیوزیلند و نورژ. اعضاء غیر اروپایی این گروه بیشتر تمایل به سهم شدن در یک رویکرد «قابل انعطاف» برای محدود کردن انتشار گازهای گلخانه‌ای دارند. اما باور جهانی آن است که کشورهای توسعه یافته متعهد به اجرای پیمان باید برای بازگرداندن سطح انتشار گازهای گلخانه‌ای در سال ۲۰۰۰ به سطح سال ۱۹۹۰ تلاش صادقانه‌ای در پیش گیرند.

کشورهای دارای اقتصاد انتقالی. کشورهای صنعتی شده اروپای مرکزی و شرقی و اتحاد شوروی سابق انتشار دهندگان اصلی گازهای گلخانه‌ای هستند. اگرچه به دلیل رکود اقتصادی در پایان عمر کمونیسیم، احتمالاً این کشورها موفق خواهند شد سطح انتشار گاز را تا سال ۲۰۰۰ پایین تر از سطح سال ۱۹۹۰ نگاه دارند. اما پس از طی این دوره، انتظار می‌رود که این کشورها چه از نظر اقتصادی و متعاقباً از نظر میزان انتشار گازها رونق تازه‌ای بیابند.

گروه W و چین. کشورهای در حال توسعه از طریق گروه W تلاش می‌کنند تا از نظر عمل به تعهدات خود در قبال کاهش انتشار گاز و همچنین انتقال سرمایه و تکنولوژی فعالیت نمایند. گرچه گروه W به دلیل اختلاف سلیقه‌ها و منافع اعضاء خود همواره یک سیاست واحد را در پیش نمی‌گیرد. برای مثال



اتحادیه اروپا. در واکنش به نگرانیهای ناشی از مسائل زیست‌محیطی، اتحادیه اروپا، نقش تعیین کننده‌ای در انجام مذاکرات مربوط به پیمان ایفا نمود. در مجموع اتحادیه اروپا از پیشنهاد ملزم نمودن کشورهای در عمل به اهداف و جداول کار کاهش انتشار گازها حمایت نمود. سایر کشورهای خارج از اتحادیه اروپا با این پیشنهاد موافقت نکردند و در نتیجه پیشنهاد فوق از فهرست موارد پیمان حذف شد. اتحادیه اروپا همچنین از فکر امکان الحاق کشورهای به اهداف مشترک نیز حمایت نمود. و این فکر اکنون مباحث بین‌المللی را بین اعضاء فقیرتر اتحادیه اروپا که خواستار داشتن سهم بیشتر انتشار گاز در کلیه اهداف آتی اتحادیه

کشور بسیار متغیر است. کشورهای توسعه یافته مسئول بیش از دو سوم انتشار گازها در گذشته و چیزی حدود ۷۵ در صد این انتشار در زمان حال می‌باشند، اما در عوض، از نظر حفاظت خود از اینگونه گازها در بهترین وضعیت بسر می‌برند. در مقابل، کشورهای در حال توسعه که تمایل به پایین نگه داشتن میزان انتشار گازها بطور سرانه دارند، بناچار نیازمند توسعه و تقویت شدید بنیه اقتصادی خود بوده و به اثرات تغییرات اقلیمی آسیب پذیرتر هستند. این اختلاف سطح بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، خود موضوع مذاکرات بین‌المللی دولتها شد. نقش آفرینان اصلی این مذاکرات عبارتند از:

کشور چین و دیگر کشورها از موهبت منابع عظیم ذغال سنگ برخوردارند که برای توسعه اقتصادی آنان حیاتی است. تمایل کشورهای آفریقایی بر تأکید به مسائل آسیب پذیری کشورها و تأثیرات انتشار گازها متمرکز است. بسیاری از کشورهای آسیایی که به «بیر»های اقتصادی معروف هستند، نگران آنند که مبادا در فهرست اهداف کاهش انتشار گازها کشور بعدی باشند. کشورهای غنی از نظر بخش جنگلداری نسبت به توسعه جنگلها به عنوان «زهکش» کربن حساس هستند.

انجمن کشورهای کوچک جزیره‌ای^۸. این کشورها نقش برجسته‌ای به عنوان پشتوانه عملی پیمان ایفا نمودند. این کشورها بخصوص در معرض خطر بالا آمدن سطح آب دریا هستند و از اینرو حامی سرسخت کاهش انتشار گازها می‌باشند.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت. اعضای اوپک^۹ نگران تأثیر احتمالی کاهش استفاده از نفت کشورهای مصرف کننده بر اقتصاد خود هستند. عربستان سعودی، کویت و سایر کشورهای عضو اوپک بر عدم قطعیت یافته‌های علمی تأکید کرده و پیشرفت محتاطانه‌تر روند پیمان را خواستارند.

گروههای تجاری. اولین گروه تجاری که در مذاکرات مربوط به مسائل آب و هوا شرکت نمودند، به نمایندگی از طرف شرکتهای مصرف کننده مقادیر عظیم انرژی حضور داشتند و بالطبع نگران اثرات منفی اقتصادی پیمان مذکور بودند. اخیراً، بخشهای تجاری دیگر چون بخش بیمه که خود را در مقابل حوادثی چون افزایش طوفانها و سایر اثرات احتمالی تغییرات جوی آسیب پذیر می‌بینند و همچنین شرکتهای مصرف کننده انرژی پالایش شده که در پی یافتن فرصتهای

تجاری در بازار هستند، روند مذاکرات را هرچه دقیقتر پیگیری می‌کنند.

محیط گرایان. گروه سبز از همان آغاز در عرصه تغییرات آب و هوا فعال بوده‌اند. بسیاری از آنان طی نشستها از طریق اعزام نماینده، رسانه‌ها و خبرنامه‌های منتشره فعالیت می‌نمودند. اکثر اعضاء این گروهها از کشورهای توسعه یافته می‌باشند، گرچه تلاش مداوم برای درگیر نمودن سازمانهای غیردولتی از کشورهای در حال توسعه نیز صورت می‌پذیرد.

مقامات محلی. در بسیاری از شهرهای گوشه و کنار جهان، طرحهای مربوط به تغییرات اقلیمی آغاز شده است که حتی از طرحهای دولتی در این کشورها نیز بیشتر بلند همتی کارگزاران را نشان می‌دهد. شهرداریها به دلیل نقشی که در اداره تأمین انرژی، حمل و نقل عمومی و فعالیتهای گرمزای بخش عمومی دارند، بسیار حائز اهمیتند. شهرداران و سایر مقامات شهری با گردهمایی در نشستهای مربوط به پیمان مورد بحث، به بیان دیدگاههای خود پرداختند.

پیشرفتهای علمی و سیاسی

اخیر

پس از تصویب پیمان در اجلاس شهر ریو، کمیته مذاکرات بین دول (INC)^{۱۱} که پی‌نویس پیمان را تهیه کرده بودند به کارهای مقدماتی ادامه داده و برای بحث بر سر مسائل مربوط به انجام تعهدات، تدارکات مالی، حمایتهای فنی و پولی برای کشورهای در حال توسعه و امور تشریفاتی و اجرای موازین حقوقی، شش نشست دیگر را نیز برگزار کردند. کمیته مذکور در فوریه سال ۱۹۹۵ پس از برگزاری یازدهمین و آخرین نشست

خود منحل و به جای آن کنفرانس جمعیتهای سیاسی (کاپ^۱) مرجع نهایی پیمان شد. اولین نشست کاپ از ۲۸ مارس تا ۷ آوریل ۱۹۹۵ در شهر برلین برپا شد.

وظیفه کاپ - یک مرور و بررسی نحوه اجرای تعهدات کشورهای توسعه یافته در اقدام برای بازگرداندن آهنگ انتشار گاز در سال ۲۰۰۰ به سطح سال ۱۹۹۰ و کافی بودن این اقدامات در تأمین اهداف پیمان بود. جمعیتهای سیاسی در این نشست متفق القول بودند که برآستی نیاز به تعهدات جدیدی است. در این نشست گروه ویژه عهدنامه برلین^{۱۲} جهت تهیه پیش‌نویس «مقاله‌نامه یا دیگر اسناد قانونی» برای تصویب کاپ - ۳ در سال ۱۹۹۷ تشکیل شد.

در تکمیل عهدنامه برلین، اقدامات مربوط به پیشگیری از انتشار گازهای گلخانه‌های مورد توجه قرار گرفته است. همچنین اهداف متعددی برای محدود نمودن و کاهش انتشار گازها در ظرف زمانی خاصی چون سالهای ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ در دست بررسی است. لازم به ذکر است که این اقدامات هیچگونه تعهدات جدیدی را برای کشورهای در حال توسعه الزام آور نمی‌سازد.

دومین گزارش ارزیابی هیأت بین‌المللی تغییرات اقلیمی در دسامبر ۱۹۹۵ بلافاصله پس از اجلاس برلین تهیه شد. این گزارش توسط ۲۰۰۰ دانشمند و متخصص از سراسر جهان بررسی می‌شد و نتیجه این بررسی نشان داد که «تأثیر انسان بر توازن آب و هوای زمین غیر قابل انکار است». گرچه این گزارش به ذکر موارد دیگری از جمله پیشنهاد و تأیید تدابیر موثر برای مبارزه با تغییرات اقلیمی نیز پرداخته بود.

کاپ، دومین نشست خود را از ۸ تا ۱۹

جولای ۱۹۹۶ برگزار نمود. در این نشست، وزرا با انتشار بیانیه‌ای، لزوم سرعت بخشیدن به مذاکرات بر سر نحوه تحکیم پیمان تغییرات اقلیمی را خاطر نشان شدند و دومین گزارش ارزیابی را به «عنوان جامعترین و موفقترین ارزیابی علم تغییرات آب و هوایی، اثرات آن و راههای موجود مبارزه با آن مورد تأیید قرار دادند». آنان همچنین خواستار آن شدند که گزارش مذکور «باید علمی برای عمل مؤثر و فوری در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی، بخصوص عمل از سوی کشورهای مورد اشاره در الحاق» آ آی یعنی کشورهای صنعتی شده قرار گیرد تا به محدودیت و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بینجامد.

قرار است کاپ - ۳ از اول تا ۱۲ دسامبر ۱۹۹۷ در شهر توکیو برگزار شود. در این نشست انتظار می‌رود تعهدات تازه‌ای برای کشورهای توسعه یافته در نظر گرفته شود تا این کشورها انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را پس از سال ۲۰۰۰ کاهش دهند. چنانچه کاپ - ۳ نشست موفق باشد، نیروی محرک لازم برای مبارزه با تغییرات اقلیمی در قرن بیست و یکم را ایجاد خواهد کرد.

کشورها برای کنترل گازها چه می‌کنند؟

تبادل اطلاعات از سوی دولت‌ها برای



انتخاب نحوه عملکرد پیمان تغییرات اقلیمی در کانون اهمیت قرار دارد. از اینرو جمعیت‌های سیاسی باید بطور منظم «اخبار داخلی» خود را به کاپ تسلیم نمایند. اطلاعات ارائه شده در مورد میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای در هر کشور بصورت ادواری مرور می‌شوند تا جمعیت‌های مذکور مسیر را برای تأثیرگذاری پیمان هموار و خط‌مشی‌های آتی عملکرد ملی و جهانی را ترسیم نمایند.

بررسی اخبار و اطلاعات ملی کشورهای توسعه یافته (کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۹۷ میزان انتشار گاز در کشور خود را اعلام خواهند کرد) نشان می‌دهد که پخش گاز دی‌اکسیدکربن در بیشتر این کشورها سیر

صعودی دارد. مقایسه اطلاعات داده شده در فهرست گزارش‌های سال ۱۹۹۰ که دورنمایی برای سال ۲۰۰۰ نیز در آنها ترسیم شده، نشان می‌دهد که چنانچه اقدامات دیگری اتخاذ نگردد، طی دهه آتی میزان انتشار گاز دی‌اکسید کربن افزایش خواهد یافت. تنها کشورهایی از این قاعده مستثنی هستند که اقتصاد آنان در مرحله انتقالی است. در مورد گاز متان، همه به جز سه کشور اذعان داشتند که سطح انتشار این گاز طی دهه آینده کاهش یافته یا ثابت خواهد ماند. در این میان اکسید نیتروژن وضعیت روشنی ندارد، گرچه برخی کشورها کاهش قابل توجه این گاز را پیش‌بینی می‌کنند.

این اطلاعات همچنین روشن می‌کند که ۸۰/۵ درصد کل گازهای گلخانه‌ای به دی‌اکسید کربن منشره در کشورهای توسعه یافته مربوط می‌شود. گفته می‌شود که احتراق سوخت، مهمترین منبع CO2 موجود می‌باشد. با مجموع ۳۳ کشور که حدود ۶۳ درصد کل انتشار گاز Co2 را در سال ۱۹۹۰ موجب شده‌اند، ثابت می‌شود که دی‌اکسید کربن مهمترین گاز گلخانه‌ای ناشی از فعالیتهای انسانی است.

کشورهای توسعه یافته بطور همه جانبه سیاستها و اقدامات بازدارنده تغییرات اقلیمی را جستجو می‌کنند. سیاستهایی که دولت‌ها در پیش می‌گیرند عموماً تحت شرایط داخلی هر کشور از جمله ساختار سیاسی و وضعیت کلی اقتصادی اتخاذ می‌گردد. بسیاری از این اقدامات در عین داشتن منافع زیست محیطی و اقتصادی، نسبت به مسائل تغییرات اقلیمی بی‌اعتنا هستند.

اقدامات خاصی برای اکثر بخشهای اقتصادی در نظر گرفته شده است. سیاستهای

۸۰/۵ درصد کل گازهای گلخانه‌ای به دی‌اکسید کربن منشره در کشورهای توسعه یافته مربوط می‌شود. گفته می‌شود که احتراق سوخت، مهمترین منبع Co2 موجود می‌باشد. با مجموع ۳۳ کشور که حدود ۶۳ درصد کل انتشار گاز Co2 را در سال ۱۹۹۰ موجب شده‌اند، ثابت می‌شود که دی‌اکسید کربن مهمترین گاز گلخانه‌ای ناشی از فعالیتهای انسانی است.

مربوط به بخش انرژی (که عظیم‌ترین منبع انتشار بیشتر گازها در کشورهاست) از جمله انتخاب سوخت‌های کم یا بدون کربن، اصلاح مقررات بازار برای ایجاد رقابت و برداشتن یارانه ذغال سنگ. از جمله سیاست‌های مربوط به بخش صنعت می‌توان به مواردی چون توافقاتی بلاعوض، استانداردها، تشویقاتی مالی و قیمت‌های آزاد انرژی اشاره نمود.

در سه بخش مسکونی، بازرگانی و نهادی، تأکید بر استانداردهای بالابردن کارایی انرژی باعث ایجاد ساختمان‌های جدید، قیمت‌های بیشتر انرژی و تکاپو و جنبش در بخش اطلاعات عمومی خواهد شد و در بخش کشاورزی، تعدیل تعداد حیوانات درون چراگاهها و استفاده کمتر از کود و بازیافت مواد زائد تأثیر گذارد خواهد بود. درحالی‌که اکثر دولتها طرح‌هایی برای توسعه بخش حمل و نقل خود دارند، اما برای کنترل گازهای ناشی از این حجم حمل و نقل اقدامات نسبتاً کمی گزارش شده است.

قرن بیست و یکم

در دسامبر ۱۹۹۶، مذاکرات بر سر عهدنامه برلین در زمینه تعهدات آینده کشورهای توسعه یافته به مرحله نهایی خود رسید. در ژوئن ۱۹۹۷ متن مورد توافق جهت بررسی و مرور دولتها منتشر خواهد شد. این متن موضوع مباحث نشست‌هایی است که قرار است در ماه‌های مارس، آگوست و اکتبر در شهر بن برپا شود، پاره‌ای از موضوعات اصلی مورد بحث عبارتند از:

جدول زمانبندی و اهداف قطعی

کاهش انتشار گازها. تعدادی از دولتها (از جمله برخی اعضای اتحادیه اروپا) خواستار ۱۰ درصد کاهش گاز Co2 تا سال ۲۰۰۵ شدند.

برخی (همچون کشورهای کوچک جزیره‌ای) حتی کاهش تا میزان ۲۰ درصد را خواهان بودند. درحالی‌که سایر کشورها (از جمله استرالیا، کانادا، ژاپن و ایالات متحده) این تاریخ را دور از واقع‌بینی دانسته و دوره بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ را برای تحقق اهداف پیشنهاد می‌کنند.

سیاست‌های هماهنگ در مقابل

سیاست‌های خاص. برخی دولتها (خصوصاً اعضای اتحادیه اروپا) بر سر نیاز به اتخاذ سیاست‌های هماهنگ بین‌المللی بحث می‌کنند. در مقابل، به اعتقاد کشورهای دیگر چنانچه هر کشور سیاستها و اقدامات متناسب با شرایط داخلی خود را در پیش گیرد به نتایج بهتری دست خواهد یافت.

تعهدات مشترک در مقابل تعهدات

متفاوت. در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که آیا کلیه کشورهای توسعه یافته باید از اهداف و جدول زمانی واحدی پیروی کنند یا شایسته‌تر آن است که کشورهای مختلف براساس فرمول‌بندیهای خود (برای مثال اهداف سرانه) به تعهدات متفاوتی نیز عمل کنند. انتقادی که بر جداکردن متعهدان و اهداف وارد است، مسئله تعدد مشکلات روش‌شناسی و معضلات سیاسی است.

آنچه بر کشورهای در حال توسعه

لازم است. عهدنامه برلین تعهدات تازه‌ای را به تنهایی برای کشورهای توسعه یافته مطرح می‌کند (همچنین در این عهدنامه در مورد نحوه هرچه بهتر اجرای تعهدات موجود از سوی کلیه جمعیت‌های سیاسی بحث شده است). گرچه براساس پیشنهاد برخی کشورهای توسعه یافته، سایر کشورها امکان الحاق به توافقاتی آتی به شکل آزاد را خواهند داشت، با این وجود، تعدادی از کشورهای در حال توسعه

خواستار نشان دادن اثرات احتمالی موافقتنامه‌ها بر اقتصاد و بازرگانی خود هستند.

نتیجه‌گیری

پیمان مذکور روندی است مستمر و پایدار و با مسائل حیاتی چون تبادل اطلاعات در مورد عملکرد ملی کشورها و انتقال حمایت‌های پولی به کشورهای در حال توسعه در ارتباط است. اما آنچه در سال ۱۹۹۷ در کانون توجه قرار دارد مسئله تهیه پیش‌نویس پیمان کیوتو است.

در فاصله‌ای که تا برگزاری اجلاس ۹۷ باقی است، کلیه پیشنهادها بررسی موشکافانه می‌شوند. برخی پیشنهادها نامحتملی که مورد نحوه اجرای تعهدات کشورهای توسعه یافته مطرح است می‌تواند اساس مذاکرات پس از سال ۱۹۹۷ را تشکیل دهد. در شرایط کنونی باید به توافقی دست یافت که با پشتوانه محکم، سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان را با رموز مثبت اقتصادی آشنا کند. این نتیجه، موفقیت عهدنامه برلین را تضمین می‌کند و راه را برای تلاش هرچه بیشتر در سالهای آینده می‌گشاید.

- 1- Earth Summit
- 2- Svante Ahrrenius
- 3- United Nations Environment Programm
- 4- World Meterological Organization
- 5- Intergovernmental Panel on Climate Change
- 6- European Union
- 7- Japan, United States, Switzerland, Canada, Australia, NewZealand, Norway
- 8- Association of Small Island States
- 9- Organization of Petroleum Exporting Countries
- 10- Intergovernmental Negotiating Committee
- 11- Conference of Parties
- 12- Ad hoc Group on the Berlin Mandate (AGBM)